

« الدرس الرابع » ❁

« تأثير اللغة الفارسية على اللغة العربية »

« ما كُلُّ ما يَتَمَنَّى المرءُ يُدرِكُهُ »

تَجْرِي الرِّياحُ بِما لا تَشْتَهِي السُّفُنُ «

« بَرَدَ كشتی آنجا که خواهد خدای وگر جامه بر تن درد ناخدای»

****درسنامه ۱: اسم نکره و معرفه**

اسم معرفه: اسمی است که نزد شنونده شناخته شده است و مثلاً وقتی می‌گوییم تهران، یک مکان شناخته شده برای گوینده و شنونده است. اسم‌های معرفه در زبان عربی در ۶ دسته ظاهر می‌شود که در این کتاب درسی فقط با ۲ نوع آن آشنا می‌شویم: « ۱- اسم ال دار- ۲- اسم علم (خاص) »

۱- « ال »: هر اسمی که در زبان عربی «ال» دارد؛ معرفه به حساب می‌آید. مثلاً: الرَّجُلُ - القلم - المعلم

نکته: اگر اسمی به صورت نکره بیاید و در همان جمله دوباره همراه «ال» تکرار شود، می‌توان آن «ال» را « این » یا « آن » ترجمه نمود.

مثال: توجَدُ غاباتٌ جميلةٌ في محافظة ايلام و الغاباتُ من أشجارِ البلوط: جنگل‌های زیبایی در استان ایلام وجود دارند و این جنگل‌ها از درختان بلوط هستند!

۲- اسم علم (خاص): اسمی است که به فرد، مکان، یا شیء خاصی دلالت دارد و معرفه به حساب می‌آید.

اسامی اشخاص: حمید- محمد- بهروز - فاطمه- مریم - آیلار... اسامی شهرها و کشورها: ایران - تهران - عراق...

اسامی اماکن: خزر - اقیانوس اطلس - قله دماوند

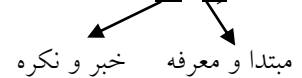
***اسم نکره:** اسمی است که نزد شنونده شناخته شده نیست: رجلٌ - معلمٌ - قلماً

اصولاً هر اسمی که تنوین « ـــــــــــــــــ » دارد و اسم خاص نیست نکره است؛ پس یکی از نشانه های نکره بودن اسم، می تواند وجود تنوین آخر اسم باشد (به شرطی که آن اسم خاص نباشد).

ترجمه اسم نکره: اسم نکره در فارسی با یک یا (ی) در آخر یا هردو ترجمه میشود. مثال: کتاب: کتابی، یک کتاب، یک کتابی

نکته: اسم نکره اگر خبر واقع شود، دیگر لازم نیست به صورت نکره فارسی معنا شود؛ البته اگر نکره هم ترجمه شود در بسیاری از موارد اشکال ایجاد نمی کند.

مثال: العلمُ كُنزٌ: دانش گنج است / دانش گنجی است / دانش یک گنج است / دانش یک گنجی است.



تست: كم معرفةً و كم نكرةً فى الآیة الشریفة (حسب ما قرأناه حتى الآن)

﴿ اللهُ نورُ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ مِثْلُ نورهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ ﴾

(۱) معرفتانِ إثنانِ - نكرتانِ إثنانِ (۲) ثلاثُ معارف - أربعُ نكرات

(۳) خمسُ معارف - خمسُ نكرات (۴) ثلاثُ معارف - خمسُ نكرات

پاسخ تشریحی (گزینه ۳)

الله: اسم علم / السَّمَاوَاتِ - الأَرْضِ - المِصْبَاحِ - الزُّجَاجَةُ: اسم «ال» دار هستند پس ۵ اسم معرفه دارد. (مِشْكَاةٍ - مِصْبَاحٍ - زُجَاجَةُ - كَوْكَبٌ - دُرِّيٌّ) پس ۵ اسم نکره دارد. (توجه: البته اسم های معرفه دیگری نیز در این آیه وجود دارد که در این درس نخوانده ایم)

تست: عین «ال» بمعنی «این» او «آن» فى العبارات:

(۱) تعالِ نَذْهَبُ إِلَى الْمَلْعَبِ لِمُشَاهَدَةِ مَبَارَاةِ كُرَةِ الْقَدَمِ!

(۲) تَحْمِلُ شَجَرَةُ الْخُبْزِ أَثْمَاراً فى نَهَايَةِ أَغْصَانِهَا كَالْخُبْزِ!

(۳) شَجَرَةُ الْبَلُوطِ هِىَ مِنَ الأشجارِ الْمُعَمَّرَةِ وَ قَدْ تَبْلُغُ مِنَ العُمُرِ أَلْفِي سَنَةً!

(۴) يُدْفِنُ سِنِجَابٌ جَوَزَاتِ الْبَلُوطِ تَحْتَ التُّرَابِ وَ السِّنِجَابُ قَدْ يَنْسَى مَكَانَهَا!

پاسخ (گزینه ۴)

سوال؛ اسم «ال» داری را خواسته که الف و لامش معنی «این یا آن» بدهد. پس باید دنبال اسم نکره ای بگردیم که دو باره در جمله تکرار شده و «ال» گرفته و معرفه شده است. اگر به همه اسم های «ال» دار در گزینه ها نگاه کنیم قبلشان آن اسم در جمله با تنوین نیامده به جز گزینه ۴ که «سنجاب» در ادامه با «ال» آمده است. ترجمه گزینه ۴: سنجابی دانه های بلوط را در زیر خاک دفن می کند و آن سنجاب گاهی مکان آن را فراموش می کند.

*درسنامه ۲: حروفی که مضارع التزامی می سازند یا « حروف ناصبه »

با آوردن برخی حروف بر سر فعل مضارع، معادل مضارع التزامی فارسی ساخته می شود.

قبلا با حرف « أَنْ » آشنا شده اید!

يَدْرُسُ : درس می دهد ← أَنْ يَدْرُسُ : که درس بدهد . يَغِيْبُونَ : غایب می شوند ← أَنْ يَغِيْبُوا : که غایب شوند

حروف دیگری که مانند « أَنْ » عمل می کنند عبارتند از: « كَى - لِكَى - حَتَّى - لِهْ » به معنای تا - تا اینکه - برای اینکه . به مثال های زیر توجه کنید.

يُعَلِّمُ : یاد می دهد ← كَى يُعَلِّمُ : تا یاد بدهد / تَكْذِبِينَ : دروغ می گویی ← حَتَّى تَكْذِبِي : تا دروغ بگویی

يَجْمَعَانِ : جمع می کنند ← لِكَى يَجْمَعَانِ : تا جمع کنند / يَنْدُبْنَ : فرا می خوانند ← لِيَنْدُبْنَ : تا فرا بخوانند

نتیجه: حروف مضارع التزامی ساز « أَنْ : که ، كَى - لِكَى - حَتَّى - لِهْ : تا - تا اینکه - برای اینکه »

*درسنامه ۳: لَنْ : هرگز ؛ آینده منفی

با آوردن « لَنْ » بر سر فعل مضارع ، معنای فعل مضارع به آینده منفی تبدیل می شود . در واقع « سَوَ سَوْفَ » برای آینده مثبت هستند و « لَنْ » برای آینده منفی! مثال: سَيَسْمَعُ : خواهد شنید ← منفی ← لَنْ يَسْمَعُ : نخواهد شنید

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ : ترجم الأفعال النَّالِيَةِ:

۱- أَنْ يُؤَجَّلَ : (أَجَلَ : به تأخیر انداخت) ۲- حَتَّى يُؤَخَّرَ : (أَخَّرَ = أَجَلَ) ۳- لَنْ نَضْطَرَّ : (اضْطَرَّ : ناگزیر کرد)

۴- لَنْ تَشْتَهِيَ : (اشْتَهَى : میل داشت) ۵- لَنْ أَتَبَيَّنَ : (تَبَيَّنَ : آشکار شد) ۶- لِكَى تَسْوِقِي : (سَوَقَ : رانندگی کرد)

نکته مهم

حروف « أَنْ - كَى - لِكَى - حَتَّى - لِهْ - لَنْ » در آخر فعل مضارع تغییراتی ایجاد می کنند به جز در دو صیغه جمع مؤنث غائب جمع مؤنث (يَفْعَلْنَ) و جمع مؤنث مخاطب (تَفْعَلْنَ) هیچ تغییری نمی کنند . تغییرات ۱۲ صیغه دیگر به شرح زیر است :

۱- در ۵ صیغه ای که فعل مضارع به ضمه (ُ) ختم می شوند ، با آوردن این حروف؛ ضمه آخر فعل به فتحه (َ) بدل می شود .

مثال: يَتَبَيَّنُ : آشکار می شود ← أَنْ يَتَبَيَّنَ : که آشکار شود / نَضْمَنُ : ضمانت می کنیم ← لَنْ نَضْمَنُ : ضمانت نخواهیم کرد

تَسْوِقُ : رانندگی می کنی ← كَى تَسْوِقَ : تا رانندگی کنی

۲- در ۷ صیغه ای که فعل مضارع به «ن» ختم می شود ، با آوردن این حروف «ن» را از پایان فعل حذف می کنیم (مانند عمل «لا»ی نهی) مثال : يَفْشَلَانِ : شکست می خورند ← لَنْ يَفْشَلَانَ ← لَنْ يَفْشَلَا : هرگز شکست نخواهند خورد
تُوَزَّعِينَ : پخش می کنی ← لَتُوَزَّعِينَ ← لَتُوَزَّعِي : تا پخش کنی
يَنْدُبِينَ : فرا می خوانند ← كَي يَنْدُبِينَ : تا فرا بخوانند - در جمع مؤنث « ن » حذف نمی شود

* در ۲ صیغه جمع مذکر پس از حذف « ن » در آخر فعل ، یک الف برای زینت اضافه می کنیم.

يُقَرَّرُونَ : قرار می گذارند ← حَتَّى يُقَرَّرُونَ ← حَتَّى يُقَرَّرُوا : تا قرار بگذارند

نکته

برای منفی کردن مضارع التزامی با حروف فوق کافی است بین این حروف و فعل مضارع یک « لا » نفی آورده شود ، در این صورت مضارع التزامی منفی ساخته می شود (به جز حرف « ل »).

مثال : حَتَّى يَكْذِبَ : تا دروغ بگوید ← حَتَّى لَا يَكْذِبَ : تا دروغ نگوید

أَنْ يَجْرَّ : که بکشد ← أَنْ لَا يَجْرَّ : که نکشد

لِكِي تَحْزَنُوا : برای اینکه غمگین شوید ← لِكَيْلَا تَحْزَنُوا : برای اینکه غمگین نشوید

* « أَنْ + لا » را می توان به صورت « أَلَا » و « لِكِي لَا » را به صورت « لِكَيْلَا » نوشت.

تست: عَيْنٌ مَا لَيْسَ فِيهِ لِيَعَادِلُ الْمَضَارِعَ الْإِلْتِزَامِيَّةَ :

﴿ ۲ ﴾ ... يُرِيدُنْ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلَامَ اللَّهِ ... ﴿

﴿ ۱ ﴾ ... فَاصْبِرُوا حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا ... ﴿

﴿ ۴ ﴾ لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ ﴿

﴿ ۳ ﴾ ... لِكَيْلَا تَحْزَنُوا عَلَيَّ مَا فَاتَكُمُ ﴿

پاسخ گزینه (۴) :

گزینه ها : ۱- « حَتَّى يَحْكُمَ » تا حکم کند. ۲- « أَنْ يُبَدِّلُوا » که تبدیل کنند. ۳- « لِكِي + لَا تَحْزَنُوا » تا غمگین نشوید.

هر سه گزینه معادل مضارع التزامی هستند چون فعل ها دارای حروف ناصبه هستند. ولی در گزینه (۴) ، « لَنْ تَنَالُوا » :

هرگز دست نخواهید یافت، آینده منفی می باشد.